

روز اول ماه مه را به روز فراخوان جهانیان به انقلاب تبدیل کنیم!

اول ماه مه روز فراخواندن به انقلاب، روز ابراز نفرت و انزجار از جهان بهره‌کشی و ستمگری، روز تجدید تعهد و سوگند به مبارزه تا سرنگونی نظام کارمزدوری سرمایه‌داری است. امسال مازمانی کارگران، زحمتکشان، عناصر پیشرو و مترقی، زنان آزادیخواه و اقلیت‌های تحت ستم را در خیابانها و جاده‌های شهرهای جهان می‌بینیم که بحران فراگیر اقتصاد این نظام ده‌ه‌میلیون کارگر را بیکار و صد‌ه‌میلیون انسان را به خاکستریه نشانده است. این نظام سخت‌مریض است و بیماری آن نیز علاج‌ناپذیر می‌باشد. واژگونی این نظام تنها با خطر نجات انسان به یک ضرورت تاریخی تبدیل گردیده بلکه با خطر نجات طبیعت و انواع دیگر حیات بر روی کره زمین به یک ضرورت عاجل تاریخی مبدل شده است.

بعد از مرگ مائوتسه دون 76 جهان در بست و کامل در اختیار سرمایه‌داری قرار داشته است، مسئولیت همه بی‌ثباتی‌های سیاسی، بحران‌های اقتصادی و نتایج خونبار آنها را این نظام بر عهده دارد. در این مدت، نظام سرمایه‌داری دوباره به افغانستان حمله کرده و هر بار صدها هزار انسان را به کام مرگ فرستاده و میلیون‌های دیگر را بی‌خانمان ساخته است. در همسایه شرقی افغانستان؛ این نظام بارها مزدورانش را یا از طریق کودتا و یا با شعله‌بازی انتخاباتی جابجا ساخته و از طریق آنها خلق این سرزمین را سرکوب کرده است. در غرب افغانستان؛ یکی از پوسیده‌ترین نوع تفکر ابتدایی بشر را بر مسند قدرت نشانیده و خلق آزادیخواه ایران را در بند زنجیرهای فقر، ستمگری ملی، ستمگری وحشیانه جنسی و خرابی محیط زیست کشیده است. این نظام در این مدت دوباره بر عراق لشکر کشیده و هر بار نهمین میلیون‌ها انسان را بقتل رسانیده بلکه تمام مدنیت این سرزمین را ویران ساخته و خاک آنرا با یورانیم دیپلنت فرش کرده است. عوامل وابسته به این نظام تاکنون هر روز ده‌ها انسان را بیدفاع و مظلوم را بقتل می‌رسانند. در همسایگی عراق، خلق مظلوم سوریه مدت چهار سال است که در آتش جنگی که بدست این نظام شعله‌ور گردیده می‌سوزند. این نظام؛ زندگی را نه فقط بر خلق‌های ممالک آسیای جنوبی و آسیای میانه به جهنم عریان مبدل ساخته است بلکه سودجویی و جنگ افروزی آن افریقا و امریکای لاتین را نیز در آتش جنگ، فقر، شیوع امراض، بیکاری و ناامیدی می‌سوزاند. دامنه سودجویی‌ها و جنگ افروزی‌های این نظام گسترش بی‌سابقه یافته و دیو جنگ بر سر تقسیم مجدد جهان دروازه‌های اروپا دق الباب میکند.

این نظام طبیعت (محیط زیست) را تخریب و بنابه اعتراف خودشان اقلیم کره زمین را بطور مرمت‌ناپذیری تغییر داده است. با تغییرات جوی هر سال ده‌ه‌میلیون خانواده کشاورز و شبان پیشه در دنیای رو به انکشاف با خاکستریه می‌نشینند. باز دست دادن منابع زندگی‌شان؛ آنها مجبوراً روستاها و

سواحل دریاها را ترک گفته و در جستجوی امکانات زندگی راه مهاجرت را در پیش میگیرند. شهرک های حلبی نشین در حاشیه شهرهای بزرگ ممالک آسیا، آفریقا و امریکای لاتین سریعاً گسترش یافته و بآن اعتیاد، امراض گوناگون و انحطاط اخلاقی نیز گستره وسیع پیدامیکند. دیوارهای زندان ها و سلول ها بالا میروند و بر تعداد چوبه های دارو زندانبانان دژخیم منش افزوده میشود. والدین اطفال شان را بسراغ یک سرنوشت دیگر بسوی "بهشت غرب" میفرستند، آنها به "بهشت نارسیده" یاد رکام دریاها فرومی روند و یا در زندانهای غیر انسانی در پاپوا- نیوگینی، لیبیا، مصر، مراکش میمیرند. بخشی هم که به "بهشت غرب" میرسند در انتظار اجازه پناه یابی در کمپ ها و قرارگاه های پناهندگان حواس شان را از دست میدهند... هیچ نظام سیاسی- اقتصادی در تاریخ، بشر را اینقدر خوار، حقیر، بیچاره، گرسنه، آواره، سردرگم جنگ و جنایت نساخته است. تمام این کابوس های عینی و حقیقی به اضافه هزاران هزار دیگر از نظام سرمایه داری منشامیگیرد، بنا به این دلایل این نظم را باید سرنگون ساخت.

اولین ابزار سرنگونی این نظام و هدایت جامعه نوین حزب پیش آهنگ طبقه کارگر است. "مائویست های افغانستان" معتقداند که بدون وجود یک حزب کمونیست انقلابی رهائی طبقه کارگر و خلق اسیر افغانستان از شکنجه و آزار این نظام میسر نیست.

"مائویست های افغانستان" اعلام میکنند که وظیفه عمده و اولویت های کاری اش را تلاش در جهت ایجاد حزب کمونیست انقلابی افغانستان تشکیل میدهد و مبارزه علیه اپورتونیزم و رویزیونیزم بخش لاینجزای این مبارزه است، زیرا اپورتونیزم و رویزیونیزم در افغانستان صرفاً نمایندگان بورژوازی نیستند بلکه بطور مستقیم در ساختار قدرت رژیم پوشالی سهم اند.

زنده باد مارکسیزم- لنینیزم- مانویزم

به پیش در راه تاسیس حزب کمونیست انقلابی افغانستان

نابود باد امپریالیزم سرمایه داری

مائویست های افغانستان

اول ماه مه 2014